

لوح محفوظ

ابراهیم کلانتری^۱

چکیده

چیستی لوح محفوظ و تبیین آن در این نوشتار مورد تحقیق قرار می‌گیرد. نگارنده ابتدا مسأله محل بحث را در لغت، قرآن و روایات مورد توجه قرار داده و آنگاه دیدگاههای مفسران و اندیشمندان دینی را درباره آن مطرح نموده و به بررسی آنها پرداخته و یکی از آنها را برگزیده است. از کنار هم نشان دادن دیدگاهها درباره چیستی لوح محفوظ، فاصله بسیار متباعد این دیدگاهها درخصوص این حقیقت قرآنی نمایان می‌شود و از سویی دقت و جامعیت دیدگاه مورد قبول نیز به دست می‌آید.

کلید واژه‌ها: لوح محفوظ، علم ازلی، ام‌الکتاب، عالم امر، عالم عرش، تکوین، لوح محو و اثبات، نسخ، نزول.

۱- طرح مسأله

براساس باور عموم مسلمانان، در شکل‌گیری وحی قرآنی چهار عنصر اساسی به این ترتیب نقش اساسی دارند: ۱- فرستنده (خداوند)، ۲- گیرنده (پیامبر)، ۳- واسطه وحی (جبرئیل)، ۴- آیات وحی (اعم از الفاظ و معانی).

این باور مبتنی بر بیان صریح و خدشه‌ناپذیر آیاتی از قرآن است^۲. از این عناصر

۱. استادیار دانشگاه الزهراء (س)

۲. برخی از آیات صریح قرآن درباره این موضوع بدین قرار است: و انه لتنزل رب العالمین نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرين (شعراء/۱۹۲-۱۹۴).

چهارگانه آنچه از زوایای گوناگون مورد بحث اندیشمندان قرآنی قرار گرفته، عنصر چهارم، یعنی آیات وحی است که بیشترین حجم از مباحث علوم قرآن را از گذشته تا حال - به صورت مستقیم یا غیرمستقیم - به خود اختصاص داده است. مباحثی همچون مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب آیات و سوره، تاریخ نزول، کتابت، قرائت، ناسخ و منسوخ، عام و خاص و ... همگی معطوف به آیات وحی است. اینگونه مباحث از آن جهت که به شناخت بیشتر از آیات قرآن می‌انجامد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

بحث و تحقیق درباره «لوح محفوظ» یا «منبع پیشین وحی» نیز معطوف به آیات وحی است که بی‌گمان به شناخت بیشتر از کتاب آسمانی قرآن کمک خواهد کرد. این نوشتار در تلاش است تا موضوع مذکور را از نگاه کتاب و سنت مورد تحقیق قرار داده و انتظار اندیشمندان و مفسران را در این موضوع به بررسی و نقد بگذارد.

۲- واژه‌شناسی لوح در لغت

«لَوْح» مصدر ثلاثی مجرد از باب «لَاخ، يَلُوحُ» است که در لغت به معنی «ظاهر شدن» و «درخشیدن» آمده است. لَاخَ الشَّيْءِ يَلُوحُ، یعنی چیزی ظاهر شد و درخشید. لَاخَ بسیفه، یعنی شمشیرش را آشکار کرد، لَاخَ الْبَرْقُ، یعنی برق جهیدن گرفت (ابن فارس، ذیل لوح). «لوح» در برخی از کاربردهای دیگر به معنی «یک نگاه» و به عبارتی مترادف با «لَمْحَة» آمده است، از این رو هرگاه کسی چیزی را در یک نگاه ببیند و بی‌درنگ از نگاهش پنهان شود، چنین می‌گوید: «لُحَّتْهُ بَبَصَرِي لَوْحَةً» (فراهیدی، ذیل لوح). در استعمال دیگر، «لوح» به معنای صفحه عریض از چوب یا استخوان آمده است. فیروزآبادی از معانی لوح تنها به همین معنی بسنده نموده است:^۱ (ذیل لوح).

اما ازهری، بنا به نقل ابن منظور و همچنین فراهیدی، (ذیل لوح) زمانی اطلاق «لوح» بر چنین صفحه‌ای را صحیح می‌دانند که چیزی بر آن نگاشته شده باشد. ابن منظور پس از بیان این قید، معنای دیگر «لوح» را مطلق آنچه در آن می‌نویسند دانسته است.^۲ وی آنگاه به بیان معنای «لوح محفوظ» پرداخته و آن را محلی که مشیت‌های خداوند در آن به

۱. «الْلَوْحُ: كُلُّ صَحِيفَةٍ عَرِيضَةٍ خَشْبًا أَوْ عَظْمًا»

۲. «وَالْلَّوْحُ: الَّذِي يُكْتَبُ فِيهِ»

ودیه نهاده شده، دانسته است (همانجا).

راغب اصفهانی (ذیل لوح) پس از آنکه «لوح» را به آنچه در آن نوشته می‌شود، معنا نموده، چنین می‌گوید: «... و بر طبق سخن خداوند متعال که فرمود: فی لوح محفوظ (بروج/۲۲)، باید گفت پس کیفیت آن بر ما مخفی است، مگر آن اندازه که در روایات برای ما نقل شده، و آن همان چیزی است که در سخن خداوند از آن به «کتاب» تعبیر شده است: ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر (حج/۷۰).

۳- لوح محفوظ در قرآن کریم

قرآن کریم «لوح محفوظ» را فقط در یک مورد به کار برده است: بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ (بروج/۲۱-۲۲) بلکه آن قرآن با عظمتی است که در لوح محفوظ جای دارد! واژه محفوظ را به دو صورت می‌توان قرائت نمود:

۱- مَحْفُوظٌ (با جَر)، که در این صورت صفت برای «لوح» می‌باشد. از قاریان حجاز، ابوجعفر و ابن کثیر، و از قاریان کوفه، عاصم، اعمش، حمزه و کسایی، و از قاریان بصره، ابو عمرو، این کلمه را این گونه قرائت نموده‌اند. در این صورت معنای این دو آیه چنین می‌شود: «بلکه آن قرآن با عظمت است که در لوحی که از هرگونه تغییری در امان است جای دارد» (طبری، ۴۹۸/۷).

۲- مَحْفُوظٌ (با رَفْع)، که در این صورت صفت برای «قرآن» در آیه قبل می‌باشد. از قاریان مکه، ابن مُحَیصِن و از قاریان مدینه، نافع، این کلمه را این گونه قرائت نموده‌اند. در این صورت معنای دو آیه چنین می‌شود: «بلکه آن قرآن با عظمت و حفاظت شده‌ای است که در لوح جای دارد» (همانجا، طبرسی، ۷۱۱/۱۰).

بنابراین بیشتر قاریان صاحب مکتب در قرائت، «محفوظ» را صفت برای «لوح» دانسته‌اند؛ بر همین اساس نیز بیشتر مفسران قرآن، از آغاز تاکنون «لوح محفوظ» را ظرف وجودی قرآن پیش از نزول تدریجی بر پیامبر دانسته و با استمداد از روایات و یا به قرینه برخی از آیات دیگر قرآن، به تفسیر آن پرداخته‌اند.

قرآن درباره چستی، ویژگیها و محل استقرار لوح محفوظ و همچنین امکان دستیابی آدمیان یا فرشتگان به آن، با صراحت سخنی نگفته است، گرچه شاید بتوان به قرینه

برخی از آیات که خواهد آمد، به برخی از ویژگیهای آن دست یافت.

۴- لوح محفوظ در نگاه روایات

روایات متعددی در تبیین و توصیف لوح محفوظ در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت دیده می شود. این روایات زبان واحدی ندارند به نقل پاره‌ای از آنها بسنده می شود.

۱- «... انس بن مالک: لوح محفوظ، که خداوند در قرآن درباره اش می گوید: بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ، در پیشانی اسرافیل است» (ابن کثیر، ۳۶۶/۸؛ سیوطی، ۴۳۱/۸).

۲- «... ابن عباس: خداوند لوح محفوظ را در زمانی معادل یکصد سال آفرید، آنگاه پیش از آفرینش موجودات به قلم گفت: علم من را درباره موجودات بنویس، و قلم آنچه را تا روز قیامت پا به عرصه وجود می گذارد در آن لوح ثبت کرد» (سیوطی، ۴۳۲).

۳- «... انس بن مالک: پیامبر (ص) فرمود: خداوند لوحی دارد که یک سوی آن یاقوت و سوی دیگرش زبرجد سبز و قلمش از نور است، در آن می آفریند، و روزی می دهد، زنده می کند و می میراند، عزت می دهد و آنچه را تا روز قیامت رخ می دهد، انجام می دهد» (همانجا).

۴- «... ابن عباس: پیامبر (ص) فرمود: خداوند متعال لوح محفوظ را از «دَرَّةٌ بَيَّضَاءُ» آفرید، که صفحات آن از یاقوت سرخ و قلمش از نور و نگارشش نور است. خداوند در هر روز سیصد و شصت لحظه دارد که در آنها خلق می کند و روزی می دهد، می میراند و زنده می کند، عزت می دهد و ذلیل می کند و آنچه را اراده کند انجام می دهد» (ابن کثیر، ۳۶۷).

۵- «... علی بن ابراهیم: لوح محفوظ دو سو دارد، یک سوی آن بر سمت راست عرش و سوی دیگرش بر پیشانی اسرافیل است، پس هر گاه که خداوند سخنی را وحی کند آن سوی لوح که بر پیشانی اسرافیل است نواخته می شود و اسرافیل در لوح می نگرد و آنچه را در آن ثبت گردیده به جبرئیل وحی می کند» (بحرانی، ۲۵۵/۸؛ حویزی، ۵۴۸/۵).

۶- «... امام سجاد (ع) فرمود: برای خداوند لوح محفوظی است که در هر روز سیصد و

شصت بار آن را ملاحظه می‌کند، هیچ لحظه‌ای نیست مگر آنکه در آن زنده می‌کند و می‌میراند، عزت می‌دهد و ذلیل می‌کند و آنچه را بخواهد انجام می‌دهد» (مشهدی، ۲۹۰/۱۱).

۷- «پیامبر (ص) فرمود: خداوند یکتا بود و چیزی با او نبود، آنگاه لوح را آفرید و در آن احوال همه خلایق را تا روز قیامت، ثبت کرد» (رازی، ۵۲/۷).

تأمل در روایات یاد شده چند نکته را روشن می‌کند:

الف - لوح محفوظ نخستین مخلوق خداوند و از جمله افعال الهی است که علم بی‌پایان خداوند که از صفات ذات اوست، پیش از تحقق عینی در عالم وجود، در آن ثبت گردیده است. بدینسان نمی‌توان لوح محفوظ را مترادف با علم خداوند دانست، بلکه ظرفی است که علم خداوند در آن ثبت گردیده، و آفرینش موجودات مطابق با آنچه در آن ثبت گردیده، صورت می‌گیرد.

ب - آنچه در هستی رخ می‌دهد، به عرصه وجود قدم می‌گذارد، روزی می‌گیرد، یا از عالمی به عالم دیگر رخت بر می‌بندد و به عبارتی همه فعل و انفعالات ریز و درشت جهان از آغاز تا قیامت پیش از آنکه به مرحله وجود گام بگذارد، در لوح محفوظ ثبت گردیده‌اند. از این جهت می‌توان لوح محفوظ را مترادف با کتاب مبین و مفاد این روایات را مترادف با مفاد این آیه دانست: ...و لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین (انعام/۵۹). آیات دیگری نیز بر همین مضمون دلالت دارند (هود/۶، سبأ/۳، نمل/۷۵).

ج - حقیقت و ماهیت لوح محفوظ از جنس موجودات مجرد و ماورای طبیعی است که پیش از آفرینش موجودات مادی و عناصر زمان و مکان، خلق گردیده است. بدون تردید درک و شناخت حقیقت چنین موجودی از قلمرو حس و تجربه بشری بیرون است. اینکه در زبان روایات لوح محفوظ از جنس یاقوت و زبرجد و قلم و خطوط آن از نور دانسته شده، در حقیقت نوعی بیان تمثیلی است که تصویری از لوح محفوظ را متناسب با فضای ذهن مادی بشر و ادبیات مادی حاکم بر آن عرضه می‌کند.

د - قرآن کریم نیز از آن جهت که بخشی از علم بی‌کران خداوند است، پیش از نزول به جهان مادی، در لوح محفوظ ثبت گردیده و آنگاه به وسیله فرشته‌ای به نام اسرافیل بر فرشته‌ای دیگر به نام جبرئیل وحی گردیده و سپس توسط وی بر پیامبر اسلام (ص) نازل

شده است. نزول وحی توسط جبرئیل بر پیامبر اسلام (ص) به صورت صریح در قرآن کریم آمده است (بقره/۹۷)، گرچه از مرحله پیش از آن یعنی نزول توسط اسرافیل بر جبرئیل در قرآن سخنی گفته نشده است.

۵- نظر اندیشمندان در چیستی لوح محفوظ

برخی از اندیشمندان موضوع محل بحث را از افقی بسیار بالا مورد تأمل قرار داده و در توصیف آن به اظهار نظر پرداخته‌اند و در همین حال برخی دیگر آن را به سطح بسیار پائینی تنزل داده و توصیفی زمینی از آن ارائه نموده‌اند، گرچه برخی نیز از اظهار نظر درباره آن پرهیز نموده و شناخت حقیقت لوح محفوظ را از قلمرو دانش بشری خارج دانسته‌اند. می‌توان مجموعه دیدگاه‌های آنان را در شش نظریه جمع‌بندی نمود.

۵-۱- لوح محفوظ کنایه از علم ازلی الهی

بر طبق این دیدگاه لوح محفوظ موجود مستقلی نیست که بتوان در جهان مادی یا جهان مجرد ظرف وجودی یا مصداق معینی برای آن در نظر گرفت، بلکه صرفاً کنایه از علم ازلی و نامحدود خداوند است که از هرگونه تغییری در امان می‌باشد.

محمدهادی معرفت، از اندیشمندان قرآنی معاصر، در بیان چیستی لوح محفوظ بر همین دیدگاه تأکید ورزیده است: «لوح محفوظ چیزی همانند ظرف یا صفحه و یا مکان خاصی نیست که در عالم ماده و یا عالم معنا وجود مستقلی داشته باشد، هرگز نمی‌توان درباره لوح محفوظ چنین گفت، بلکه آن کنایه از علم ازلی خداوند است که نه تغییر می‌کند و نه به علم دیگری تبدیل می‌شود. در حقیقت، لوح محفوظ همان چیزی است که از آن به کتاب مکنون و ام‌الکتاب و غیر آن دو نیز تعبیر شده است. اینگونه تعبیرها چیزی جز علم مکنون خدا را نمی‌رساند، همان علمی که هیچ مخلوقی نمی‌تواند بر همه آن آگاهی یابد» (۳۳/۳).

وی بر این باور است که تصوّر وجود مستقل و ظرف وجودی معین برای لوح محفوظ ناشی از برداشت خطا آلود مکان از واژه «لدینا» در و آیه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم (زخرف/۴) است. در حالیکه آیه مذکور تنها در صدد بیان شأن و جایگاه بلند قرآن نزد خداوند و در علم پیشین و ازلی اوست، یعنی همان علمی که سرچشمه و اساس قرآن به

شمار می آید (معرفت، همانجا).

فخر رازی ذیل آیه ۳۹ سورة رعد، در تفسیر «ام الكتاب» دو دیدگاه را آورده که در دیدگاه دوم ام الكتاب مترادف با علم خداوند شمرده شده است (۵۲/۷). نویسندگان تفسیر نمونه نیز در تفسیر لوح محفوظ همین دیدگاه را پذیرفته‌اند: «به نظر می‌رسد که لوح محفوظ همان صفحه علم خداوند است که شرق و غرب عالم را فراگرفته و از هرگونه دگرگونی و تحریف مصون و محفوظ است» (مکارم شیرازی، ۳۵۴-۳۵۳/۲۶). برخی از مفسران دیگر نیز به همین دیدگاه میل نموده‌اند (شیخلی، ۹/ ذیل زخرف/۴). مترادف دانستن لوح محفوظ با علم خدا که این دیدگاه بر آن تأکید می‌ورزد از جهات متعدد می‌تواند مورد اشکال و خدشه قرار گیرد:

(۱) نخستین خدشه جدی بر این دیدگاه اینست که در یکی پنداشتن لوح محفوظ با علم خدا در واقع دست به تأویلی زده است که هیچ دلیل روشنی از کتاب و یا سنت معتبر آن را پشتیبانی نمی‌کند. تفسیر لوح محفوظ یا ام الكتاب و یا کتاب مبین، به علم خداوند در قدم نخست نوعی تصرف و توسعه در مفاهیم لغوی الفاظ به شمار می‌آید که بدون دلیل قطعی، یا قرینه اطمینان بخش و یا فهم عرفی نمی‌توان بر آن صحه گذاشت (مصباح یزدی، ۲۷۲-۲۷۳).

(۲) واژه «فی» در فی لوح محفوظ (بروج/۲۱) و آیات مشابه و آیه فی ام الكتاب (زخرف/۴)، فی کتاب مکنون (واقعه/۷۸) و... در ظاهر بیانگر ظرف معینی است که قرآن در آن قرار دارد. از سوی دیگر علم خداوند که از اوصاف ذات الهی به شمار می‌آید، همانند ذات خدا نامتناهی و نامتعیّن است. بدیهی است که منطبق دانستن ظرف معین بر ذات نامتناهی هرگز منطقی نمی‌نماید.

(۳) سیاق آیات محل بحث نفی هرگونه تشکیک و تردید در منشأ الهی دانستن قرآن است. از آنجا که کافران به تشکیک در الهی بودن آیات قرآن می‌پرداختند این آیات در صدد بود تا بر الهی بودن منشأ و مصدر قرآن تأکید ورزد و بدین وسیله ذهن همگان را به این مصدر و جایگاه معین، خطاناپذیر و مصون از هرگونه دخل و تصرفی اعم از

زمینی و آسمانی معطوف سازند.^۱ یکی دانستن چنین جایگاهی با علم الهی با این سیاق سازگاری ندارد، زیرا ثبوت اشیاء در علم پیشین الهی اختصاص به قرآن ندارد، بلکه همه مخلوقات و فعل و انفعالات هستی را از بدو آفرینش تا قیامت شامل می شود. بنابراین یکی پنداشتن لوح محفوظ با علم خدا موجب می شود که چنین سیاقی نادیده انگاشته شود و در نتیجه فایده‌ای برای ذکر مکرر آن در قرآن یافت نشود.

۵-۲. جایگاه معانی نامحدود قرآن

بطون و ژرفای پایان‌ناپذیر قرآن از جمله مسایل مهمی است که مورد توجه و قبول بیشتر اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است (نک: صدر، «راز و رمز ژرفای قرآن»؛ هاشمی، «ظهر و باطن قرآن»؛ کلاتری، «ظهر و باطن قرآن کریم»). دیدگاه محل بحث در تفسیر و بیان لوح محفوظ از همین زاویه به موضوع نگریسته و تصویری ویژه از آیات، کلمات و حروف قرآن ارائه نموده است. زرکشی در مبحث کیفیت نزول قرآن این دیدگاه را به اختصار آورده است: «... جبرئیل قرآن را از لوح محفوظ فرا گرفته و آن را بر پیامبر نازل نموده است. برخی از عالمان گفته‌اند که حروف قرآن در لوح محفوظ هر کدام به اندازه کوه قاف است و زیر هر حرفی چندان از معانی و مفاهیم بسیار نهفته است که جز خدای عزوجل کسی یارای احاطه و آگاهی بر آنها را ندارد» (۱/۲۹۱).

بر طبق این نگاه، قرآن در لوح محفوظ از دو ویژگی برخوردار است، نخست بزرگی حروف و به تبع آن کلمات و آیات آن و دوم کثرت معانی. از این رو می توان نتیجه گرفت که ویژگی لوح محفوظ در این نگاه خصلت واقع‌پذیری آنست، به این معنا که قرآن را با همان عظمت ذاتی و ژرفای پایان‌ناپذیرش در خود جای داده، در حالی که دنیای مادی به سبب محدودیتهای ذاتی خود هرگز نمی‌تواند ظرف وجودی قرآن با همه عظمت و معانی و مفاهیم بلند آن باشد، بلکه فقط لایه یا لایه‌های محدودی از آن را به قدر استعداد حروف، کلمات و جملات خود و همچنین ظرفیت و توان فهم آدمیان، در خود جای داده است.

این نگاه بر تصویری عامیانه از لوح محفوظ مبتنی است، بدین قرار که لوح محفوظ را

۱. در سورة بروج قبل از آیات مورد بحث ابتدا از تکذیب کافران نسبت به آیات الهی سخن می‌گوید.

همچون صفحه‌ای کاغذین پنداشته که آیات قرآن با همین حروف و کلمات و جملات عربی و با سبک و سیاقی که اینک در اختیار آدمیان است، در آن ثبت گردیده با این تفاوت که حروف آن بزرگتر و معانی آن بیشتر است. بی‌شک چنین تصویری در قدم نخست با آنچه قرآن با صراحت درباره پوشش زبان و الفاظ عربیت بر معارف خود آورده سازگار نمی‌باشد.

در نگاه قرآن نزول محتوا و معارف آسمانی قرآن در ظرف الفاظ و زبان و پوشش عربیت به منظور امکان فهم، تعقل و تدبّر آدمیان در آیات وحی صورت گرفته و صرفاً یک پدیده این جهانی و متناسب با ابزارهای متعارف تفهیم و تفاهم آدمیان است. و الکتاب المبین انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون و انه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم (زخرف/۲-۴) اقسام به کتاب روشنگر، به حقیقت ما آن را عربی قرار دادیم تا شما در آن بیندیشید، در حالیکه آن نزد ما در ام‌الکتاب بسی بلند پایه و استوار است. از این رو پوشش حروف و الفاظ را نمی‌توان به لوح محفوظ که از جنس جهانهای غیر مادی و خارج از قلمرو تعقل آدمیان است، نیز تسری داد (طباطبایی، ۵۳/۳).

از سوی دیگر قرار گرفتن معانی بسیار، تحت حروف قرآن در لوح محفوظ - که مورد تصریح این دیدگاه است - نمی‌تواند هیچ فایده‌ای برای آدمیان که از دسترسی به لوح محفوظ محرومند، داشته باشد. اندیشمندانی که بطون قرآن را مورد توجه قرار داده و آن را به دیده قبول تلقی کرده و بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند، این ژرفای نامحدود را به الفاظ و گزاره‌های قرآن که اینک در دسترس است نسبت دادند نه آنچه در لوح محفوظ است و از دسترس آدمیان فاصله بسیار دارد.

برخی از نویسندگان معاصر، دیدگاه محل بحث درباره لوح محفوظ را با وجود پدیده نسخ در برخی از آیات قرآن که مورد قبول همه مسلمانان است در تنافی دانسته و از این جهت این دیدگاه را مورد مناقشه قرار داده است (نصر حامد ابوزید، ۴۲-۴۳، ۱۳۱).

۳-۵- مجهول بودن حقیقت لوح محفوظ بر آدمیان

این دیدگاه بر وجود حقیقتی به نام لوح محفوظ، از آن جهت که خداوند به وجود آن خبر داده، تأکید می‌ورزد؛ اما درباره چستی آن بر این باور است که آدمیان راهی به شناخت حقیقت لوح محفوظ ندارند. محمد عبده، بنا به نقل شاگردش رشید رضا،

معتقد به چنین دیدگاهی است: «لوح محفوظ چیزی است که خداوند از آن خبر داده و قرآنش را در آن به ودیعه نهاده است اما حقیقت آن را نمی دانیم. بنابراین بر ماست که از باب ایمان به غیب به وجود آن ایمان داشته باشیم و همچنین به اینکه خداوند کتابش را در آن حفظ کرده است» (رشید رضا، ۴۷۲/۷).

وی توصیف لوح محفوظ را به آنچه در روایات گوناگون آمده، مردود دانسته و دلیل آن را عدم تواتر این گونه روایات خوانده است (همانجا). رشید رضا نیز با تبعیت از رأی استادش به همین دیدگاه میل نموده، وی پس از ذکر آیات و روایات متعدد درباره لوح محفوظ جمع بندی خود را این گونه ارائه نموده است: «پس به خاطر همین روایات و آثار، عالمانی که به شیوه نقلی به تفسیر قرآن پرداخته اند به اتفاق آراء «الکتاب المبین»، (زخرف/۲)، «امام المبین» (یس/۱۱)، «ام الکتاب» (زخرف/۴) و «الذکر» (نحل/۴۴) را در آیاتی که پیشتر آوردیم، به لوح محفوظ تفسیر کرده اند... مذهب پیشینیان چنین است که به قلم الهی، لوح محفوظ و آنچه قلم در لوح نگاشته، از مقدار خلق و اشمال لوح بر همه موجودات از آغاز آفرینش تا قیامت، ایمان داشته باشیم بدون آنکه رأی و ادله خود را در توصیف این امور تحمیل کنیم» (همان، ۴۶۹-۴۷۱/۷).

این دیدگاه از آن جهت که در توصیف لوح محفوظ با احتیاط سخن می گوید مورد تمجید است، ولی آنچه در موضوع محل بحث و موضوعات مشابه مطمح نظر اندیشمندان قرآنی از آغاز تا کنون قرار داشته توصیف و تبیین موضوعاتی از این دست از دریچه رهنمودهای قرآن و روایات بوده است نه تحلیل و توصیفهای مبتنی بر حدس و گمان و یا تفسیر به رأی. بی شک با دستمایه بی نظیر آیات قرآن و روایات معصومان (ع)، می توان به چنین توصیفی دست یافت.

از سوی دیگر بهره گیری از روایات برای توصیف و تبیین معارف وحی مشروط به تواتر روایات نمی باشد، بلکه خبر واحد معتبر نیز می تواند در این باب مورد استناد قرار گیرد، همان گونه که رشید رضا خود بر این مطلب اعتراف نموده و روایات موجود را مستند اتفاق نظر مفسران در تفسیر کتاب مبین، امام مبین و... به لوح محفوظ دانسته است (همانجا).

۴-۵- صفحاتی است نزد مؤمنان

این دیدگاه، برای لوح محفوظ وجود عینی مشخصی قائل نیست نه در جهان مادی و نه در جهانهای فرامادی، بلکه برای آن هویتی اعتباری در نظر می‌گیرد که پس از ایمان به آیات قرآن و اعتراف به عظمت آن برای مؤمنان پدید می‌آید. یکی از مفسران معاصر با طرح و پذیرش این دیدگاه چنین می‌گوید: «قرآن مجید در لوح محفوظ حفظ گردیده، که عبارتست از صفحه‌ای درخشنده و آشکار برای آنان که (با ایمان و عمل) به قرآن، بزرگی یافته‌اند، نه اینکه در لوحی که نزد خدا یا رسول‌الله و یا عترت پاکش قرار دارد که چنین لوحی جز برای اهلش آشکار نیست، در حالی که لوح قرآن با عظمت و بخشش آن عمومی و فراگیر است. پس قرآن در عموم لوحها حفظ گردیده، چه الواح سینه‌ها و کتابها و چه الواح زبانهایی که به قرآن ناطقند و احدی قادر نیست که آن را تغییر دهد زیرا حفظ آن به قدرت الهی ضمانت شده است» (صادقی، ۲۷۰/۳۰-۲۷۱).

همانگونه که عبارت خود تصریح می‌کند لوح محفوظ را نمی‌توان لوح مشخصی نزد خدا یا رسول و یا عترت تصور نمود. چنانکه نمی‌توان آن را صفحه‌ی معینی نزد آدمیان تصور کرد، بلکه آنچه موجب حفظ قرآن گردیده است و آن را از عصری به عصر دیگر منتقل نموده، عبارتست از سینه‌های مؤمنان، نسخه‌های قرآن و زبانهایی که به تلاوت و ابلاغ پیامهای قرآن مشغول بوده‌اند و بر مجموعه‌ی اینها لوح محفوظ اطلاق گردیده است. این دیدگاه علاوه بر آنکه برداشتی برخلاف ظاهر و سیاق آیات قرآن درباره‌ی لوح محفوظ و ام‌الکتاب ارائه می‌کند، از هیچ پشتوانه‌ای از آیات و روایات و قرائن و ادله‌ی معتبر نیز برخوردار نمی‌باشد. به نظر می‌رسد این دیدگاه معطوف به حفظ و ماندگاری قرآن در جریان زمان و اعصار متوالی پس از نزول بر پیامبر (ص) است که بیشتر موضوعی تاریخی به شمار می‌آید، در حالی که موضوع محل بحث ناظر به وجود پیشین و استوار قرآن در جایگاهی است که قرآن خود از آن به لوح محفوظ و ام‌الکتاب و... یاد کرده است. سیاق آیات و روایات درباره‌ی لوح محفوظ نیز بیشتر به چنین وجودی اشعار دارند. از مفسران پیشین هیچ کس لوح محفوظ را آنگونه که این دیدگاه مطرح می‌کند، تفسیر نکرده است.

۵-۵- آینه تجلی علم الهی

این دیدگاه لوح اسوح محفوظ را عین علم خداوند که از صفات ذات است

نمی‌شمرد، بلکه آن را آینه و نخستین تجلی علم خداوند در هستی می‌داند که پیش از آفرینش هستی، با اراده و قدرت خداوند ظهور یافته و آنگاه قرآن کریم پس از نزول از عالم عرش الهی در آن ثبت گردیده است.

برخی از اندیشمندان معاصر با استناد به آیاتی که از «کتاب مبین» (انعام/۵۹) «لوح محفوظ» و «کتاب مکنون» سخن گفته‌اند، این دیدگاه را مورد تأکید قرار داده‌اند: «با استناد به این آیات که در مورد کتاب یا لوح محفوظ است، علمی را می‌توان به خدا نسبت داد، که غیر از آن علم ذاتی است بلکه علمی است در مقام یک مخلوق، یعنی خدا موجودی را آفریده که این موجود آینه‌ای است برای آنچه در آینده خواهد آفرید. کسی که از این موجود آگاه شود و بر او اشراف پیدا کند و آن را مشاهده کند، می‌تواند حوادث را ببیند. از حوادث گذشته و حال و آینده آگاه شود، علمی است خدایی که در مخلوقی متجلی است» (مصباح یزدی، ۲۷۳).

این دیدگاه گرچه در تمایز علم ذاتی خداوند با لوح محفوظ به روشنی سخن می‌گوید، اما در باب چیستی لوح محفوظ و نسبت آن با قرآن که اینک در اختیار آدمیان است شرح و بسط دقیقی ارائه نمی‌کند.

۵-۶- مرتبه‌ای از مراتب وجود قرآن

این دیدگاه از زاویه مراتب وجودی قرآن به موضوع نگریسته است و با استناد به آیات متعدد و تطبیق مفاد آنها تصویری دقیق‌تر از لوح محفوظ ارائه می‌کند.

نظریه طباطبایی درباره لوح محفوظ که از مباحث وی ذیل آیات متعددی به دست می‌آید، منطبق بر همین دیدگاه است. وی قرآن را دارای دو مرتبه وجودی می‌داند. مرتبه نخست آن مرتبه وجود قرآن در ام‌الکتاب و لوح محفوظ است که جایگاه آن نزد خداوند و بالاتر از فهم و تعقل آدمیان است و مرتبه دوم آن مرتبه نزول یافته قرآن در قالب الفاظ و لغت عربی است که در قلمرو فهم، تعقل و تدبیر آدمیان قرار دارد. «برای قرآن مرتبه‌ای است نزد خدا که بالاتر از سطح فهم آدمیان است، سپس به منظور رعایت فهم آدمیان به مرتبه‌ای نازل گردیده که قابل فهم و تفقه است، آنگونه که قول خداوند به آن اشاره دارد: و الکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون و انه فی أم الکتاب لدینا لعلی حکیم (زخرف/۲-۴)» (۱۳۸/۱۰).

طباطبایی، ذیل آیات نخست سوره زخرف بر این نکته تصریح می‌کند که مراد از «ام الكتاب» در این آیات همان «لوح محفوظ» در سوره بروج است و آن مرتبه‌ای تکوینی و وجودی است که عقول آدمیان امکان راهیابی به آن را ندارد. نام‌گذاری این مرتبه وجودی به «ام الكتاب» از آن روست که کتابهای آسمانی از آن استنساخ شده است (۸۴-۸۳/۱۸).

وی در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران، که محکّمات را ام الكتاب شمرده، بحث مبسوطی درباره چستی «ام الكتاب» آورده و با تطبیق آن آیه بر آیات زخرف این گونه نتیجه می‌گیرد: «این آیه دلالت دارد که قرآن نازل نزد خداوند حقیقی برتر و محکم‌تر از آنست که عقول آدمیان به آن برسند و یا تقطیع و تفصیل در آن راه یابد، اما خداوند متعال از سر عنایت به بندگانش آن را کتابی قابل قرائت قرار داده و لباس عربیت بر آن پوشیده تا انسانها بدانچه راهی برای تعقل و شناخت آن در ام الكتاب نداشتند، راه یابند. ام الكتاب در اینجا همان حقیقی است که در قول خداوند: *يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ* (رعد/۳۹) و همچنین در قول دیگر خداوند: *بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ* (بروج/۲۱-۲۲) از آن یاد شده است» (۵۳/۳).

وی در ادامه این بحث تأکید می‌ورزد که رابطه حقیقت قرآن در ام الكتاب یا لوح محفوظ با قرآن نازل که اینک در اختیار آدمیان است، از نوع رابطه روح با جسد و متمثل با مثال است. این حقیقت محفوظ همانست که خداوند آن را «کتاب حکیم» (یونس/۱) می‌نامد، معارف قرآن نازل بر آن متکی است و از آن سرچشمه می‌گیرد و هرگز نمی‌توان آن را از سنخ الفاظ - که قابل تجزیه و تقطیعند - و معانی مدلول الفاظ که در قلمرو فهم و تعقل آدمیانند، شمرد، بلکه حقیقی بالاتر و برتر از الفاظ و معانی است (۵۴/۳).

پیش از طباطبایی، ملاصدرا با همین رویکرد به تبیین موضوع می‌پردازد. وی ضمن ارائه تصویری از عوالم فوق طبیعت، این دیدگاه را با تفصیل و توسعه بیشتری مورد بحث قرار داده و بر آن به دیده قبول نگریسته است.

ملاصدرا قرآن را دارای وجودهای متعدد در مراتب سه گانه می‌داند: مرتبه اول، مرتبه وجود قرآن در لوح کلی، که همه علوم حقه الهی به قلم اعلی در آن ثبت گردیده و این لوح کلی که محل قضای الهی است نزد خداوند و فوق عرش قرار دارد و قرآن از آن

به «ام الكتاب» یاد کرده است: و اِنَّهٗ فِى اَمِّ الْكِتَابِ لَدِيْنَا عَلِيٌّ حَكِيْمٌ (زخرف/۴) «(۷/۸۹-۹۰).

مرتبهٔ دوم، مرتبهٔ وجود قرآن در لوح محفوظ، پس از نخستین نزول قرآن از لوح کلی و ام الكتاب. این لوح در عالم امر قرار دارد (همان، ۷/۹۳) و برخلاف لوح محو و اثبات از هر گونه محو و تغییر و نسخی در امان است، زیرا از جنس جوهر مجرد و فوق عالم اجرام و الواح قدریه است، از این رو گرفتار کون و فساد، محو و اثبات و تغییر و تبدیل و نسخ نمی شود (همان، ۷/۸۹-۹۰).

مرتبهٔ سوم، مرتبهٔ وجود قرآن در لوح محو و اثبات، پس از نزول از لوح محفوظ به سماء دنیا است. این لوح در عالم خلق قرار دارد (همان، ۷/۹۳) و از ویژگیهای آن اینکه با ارادهٔ الهی و به تناسب حقایق و رخدادهای جهان مادی، در آن محو و اثبات و تغییر و نسخ رخ می دهد (همان، ۷/۸۹). وی دربارهٔ «لوح محفوظ» می گوید: «قرآن با همهٔ علوم حقّه و معارف الهی اش، ابتدا به وسیلهٔ «قلم اعلیٰ» در «لوح محفوظ» که هر دو از جهانهای فوق طبیعت اند، ثبت گردیده و آنگاه به تدریج به آسمان دنیا نازل شده است» (همان، ۷/۸۸).

ملاصدار پس از تفصیلی که دربارهٔ لوح محفوظ آورده، چنین می گوید: «شکی نیست که کلام خدا از آن جهت که کلام اوست پیش از نزول به عالم امر - که همان لوح محفوظ است - و همچنین پیش از نزول به سماء دنیا - که همان لوح محو و اثبات و عالم خلق است - دارای مرتبه‌ای بالاتر از مرتبهٔ خلق و امر است. به همین سبب هیچ یک از انبیاء آن مرتبه را ملاقات نمی کند و به شناخت آن نایل نمی شود مگر آنکه به مقام وحدت الهیه رسیده باشد، آنگاه که از کونین - دنیا و آخرت - مجرد گشته و با زیر پا گذاشتن دو عالم - خلق و امر - به مقامی بالاتر عروج یافته باشد. همانگونه که سید پیامبران می فرماید: «لِیْ مَعَ اللّٰهِ وَقَدْ لَا یَسْعُنِیْ فِیْهِ مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ، وَلَا نَبِیُّ مُرْسَلٌ» (همان، ۹۳).

در نگاه ملاصدرا «کتاب مکنون» جز «لوح محفوظ» نمی باشد و از آن جهت به آن کتاب مکنون گفته شده که آنچه در آن ثبت گردیده است از دید خلق و غیر مقربان درگاه ربوبی پنهان است (همان، ۷/۸۹-۹۰). دیدگاه وی از این جهت که مرتبهٔ وجودی دیگری برای قرآن در ام الكتاب قائل است و ام الكتاب را متفاوت از لوح محفوظ می داند، از

دیدگاه طباطبایی متمایز است، اما هر دو دیدگاه در این نقطه اشتراک دارند که قرآن نازل وجودی برتر و بالاتر از عالم خلق و الفاظ و مدالیل آن دارد که عرصه فهم و تعقل آدمیان نمی باشد. بنابراین در نگاه صدرالدین شیرازی و همچنین طباطبایی، لوح محفوظ نه مترادف با علم الهی (دیدگاه اول) و نه مترادف با الواح زمینی، سینه ها و زبانهای مؤمنان به قرآن، (دیدگاه چهارم)، بلکه حقیقتی وجودی است در عوالم فوق طبیعت که محل نزول اولیه قرآن از علم الهی و یا ام الكتاب و همچنین محفوظ از هر گونه نسخ و تغییر و محو و اثبات است. قرآن نازل از چنین حقیقتی سرچشمه گرفته و به منظور فهم و امکان تعقل آدمیان در آن به قالب الفاظ و زبان عربی درآمده است.

زرقانی، از عالمان اهل سنت در بحث از تنزلات قرآن با استناد به آیات و روایات، دیدگاه مشابهی را در باب مراتب وجودی قرآن، ابتدا در لوح محفوظ (پس از نزول از عرش الهی) و سپس در بیت العزة (پس از نزول از لوح محفوظ) و آنگاه در جهان مادی (پس از نزول از بیت العزة) برگزیده است (ص ۴۱-۴۴).

۶- نتیجه

بدون شک شرح و تبیین حقایق قرآنی که ماهیتی فرامادی دارند، تنها با کمک و فهم آیات وحی و روایات معصومان (ع) امکان پذیر می گردد. لوح محفوظ از جمله همین حقایق است و راهیابی به حقیقت آن با جامع نگری به آیات و شناخت دقیق مفاد آنها ممکن می باشد. در نگاه نگارنده آنچه دیدگاه ششم را به قبول نزدیک تر می کند، برخورداری از همین ویژگی است که سبب گردیده این دیدگاه از چند امتیاز مهم برخوردار باشد. الف - نخستین امتیاز اینست که به بسیاری از آیات که درباره قرآن نازل، وجود پیشین قرآن و نزول دفعی و تدریجی آن سخن گفته اند، در یک طرح جامع نظری و با یک هندسه معرفتی مشخص، معنی می بخشد. بر این اساس آیاتی که از حقیقتی به نام «ام الكتاب» سخن می گویند (آل عمران/۷، زخرف/۴، رعد/۳۹)، و همچنین آیاتی که از حقیقتی به نام «لوح محفوظ» (بروج/۲۲) و یا «کتاب مکنون» (واقعه/۷۸) یاد می کنند، هر کدام ناظر به بیان مرتبه ای از وجود قرآن معنی می یابند. همچنانکه «احکام» و «تفصیل» آیات قرآن (هود/۱) نیز به ترتیب مربوط به وجود قرآن پیش از نزول (یعنی مرتبه وجودی

قرآن در ام‌الکتاب یا لوح محفوظ) و پس از نزول به سماء دنیا خواهد بود. بر همین اساس، نزول یکباره قرآن در شب قدر (قدر/۱) نیز معنی می‌یابد. بدین بیان که نزول در شب قدر ناظر به نزول قرآن از مرتبه‌ای (مثلاً از عرش الهی یا از ام‌الکتاب) به مرتبه‌ای دیگر (مثلاً به ام‌الکتاب و یا به لوح محفوظ و یا به سماء دنیا) است که چنین نزولی با نزول تدریجی قرآن بر پیامبر (ص) در طول بیست و سه سال هیچ تنافی نخواهد داشت.

ب - دومین امتیاز اینست که از حمل آیات مربوط به موضوع محل بحث برخلاف ظواهر آنها و همچنین از گرفتار آمدن مفسر در توجیهات تکلف‌آمیز جلوگیری می‌کند. در این دیدگاه علم ذاتی و نامحدود خداوند با «ام‌الکتاب» و «لوح محفوظ» متمایز می‌گردد و عناوینی همچون «ام‌الکتاب»، «لوح محفوظ»، «احکام تفصیل» و «محو و اثبات» در مفاهیم خاص و متعارف خود استعمال می‌شوند.

ج - این دیدگاه با آنچه مجموعه روایات موجود در این باب بیان می‌کنند از سازگاری بیشتری برخوردار است. مفاد کلی روایات در چستی لوح محفوظ توجه دادن به حقیقتی فرامادی است که از یک سو با علم ذاتی خدا متمایز و از سوی دیگر با قرآن نازل که اینک در اختیار آدمیان است از جهاتی متفاوت است. دیدگاه آخر نیز در اساس بر چنین حقیقتی تأکید می‌کند، گرچه شمردن مراتب وجودی برای قرآن در ام‌الکتاب و پس از آن در لوح محفوظ (عالم امر) و سپس نزول به سماء دنیا آنگونه که در دیدگاه صدرالدین شیرازی آمده، با صراحت در روایات دیده نمی‌شود. برخی از روایات پیشین تنها بر این مطلب تصریح داشتند که قرآن ابتدا به وسیله فرشته‌ای به نام اسرافیل بر فرشته وحی، جبرئیل نازل گردیده و سپس توسط او بر پیامبر (ص) عرضه شده است. شاید بتوان از اینگونه روایات مراتب وجودی متعددی را برای قرآن برداشت کرد.

براساس این دیدگاه لوح محفوظ عبارتست از: حقیقتی تکوینی در عوالم فوق طبیعت که آنچه در عالم انسانی وحی نامیده می‌شود، پس از نزول از عرش ربّانی در آن ثبت گردیده و آنگاه در فواصل زمانی در قالب کتب آسمانی و از جمله قرآن کریم به امر خداوند و توسط فرشته وحی بر پیامبر نازل گردیده است. آنچه در لوح محفوظ ثبت گردیده، محکم و نسخ‌ناپذیر است و از نسخ الفاظ و معانی این جهانی نیست تا در قلمرو عقل و فهم آدمیان قرار گیرد.

آگاهی از حقایق ثبت شده در لوح محفوظ در گرو رشد و تعالی معنوی انسان و عروج به عوالم بالاتر است و تا انسان حجابهای دنیوی و نفسانی را از پیش رو بر نداشته باشد هرگز به چنین آگاهی نخواهد رسید (ملاصدرا، ۸/۲۷-۲۸) انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون تنزیل من رب العالمین (واقعه/۷۷-۸۰).

کتابشناسی

ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸م.
بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م.

حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش.
رازی، فخر، محمد بن حسین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، ذوی القربی، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

رشید رضا، محمد، المنار، بیروت، دارالفکر، بی تا.
زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمدار الاسلامی، بی تا.
زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.

سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
شیخلی، بهجت عبدالواحد، بلاغة القرآن الکریم فی الأعجاز، عمان، مكتبة دندیس، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اوفاء، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
صدر، موسی، «راز و رمز ژرفای قرآن» فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۲۱-۲۲، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بهار و تابستان ۱۳۷۹ش.

طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

- طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م.
- فراهیدی، ابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
- فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م.
- کلانتری، ابراهیم، «ظهر و بطن قرآن»، فصلنامه قبسات، ش ۲۹، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز ۱۳۸۲ش.
- مشهدی، میرزا محمد، کنز الدقایق و بحر الغرائب، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مطبعة مهر، ۱۳۹۶ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش.
- ملاصدرا، صدر الدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- نصر حامد، ابوزید، مفهوم النص، مغرب، المركز الثقافی العربی، بی تا.
- هاشمی، حسین، «ظهر و بطن قرآن»، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۲۱ و ۲۲، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بهار و تابستان ۱۳۷۹ش.